

## نخبگان با چک سفید امضاء



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه‌نگار

انتخابات بیش از همیشه پوچی حرف‌های کسانی را که یک طرفه و یک‌جانبه از «مردم» و خواست آنان حرف می‌زدند آشکار کرد. عده زیادی از سیاست‌مداران بی‌وقفه از طرف مردم صحبت می‌کنند و خواست سیاسی، آرزو و آمل خودشان، جناح، حزب و داروستانه‌شان را به خواست هشتاد و چند میلیون آدم زنده، حاضر، دارای عقل، هوش و بلوغ نسبت می‌دهند. مردمی که هر بار نشان داده‌اند که خواست‌شان تا چه اندازه با آن‌هایی که خود را نماینده و سخنگوی ملت ایران جا می‌زنند تفاوت دارد. مثلاً گفته می‌شد که «مردم» خواستار ادامه راه دولت پیشین هستند، در صورتی که اکثریت رأی‌دهندگان و آن‌ها که رأی ندادند در واقع خواستار تغییر وضع بودند. هیچ‌کدام از کسانی که خود را نماینده مردم می‌دانند تا این لحظه تحلیلی بر چرایی تفاوت رأی دادن و رأی ندادن مردم با آنچه درباره‌اش ادعا می‌شد ارائه نکرده‌اند، یا من ندیده‌ام. آیا اهل سیاست - به‌ویژه تمامیت‌خواهان - بالاخره خواهند پذیرفت که با جامعه انسانی پویا و زنده و هوشمندی سر و کار دارند که نمی‌توان ذهن و ظاهر و سبک زندگی آنها را متحدالشکل و مطابق با شیوه دل‌خواه آنها کرد؟ آیا متوجه خواهند شد که یک نماینده مجلس و یک سیاستمدار به هیچ‌وجه برتری ذهنی و هوشی و ژنتیکی بر مردم دیگر ندارد، تنها تفاوت او با دیگران آن است که یا سرعلاقه یا رابطه یا تقدیراً به کار سیاست‌ورزی وارد شده؟ آیا بالاخره و بعد از تجربیات متعدد متوجه خطاهای متعدد خود در تشخیص «خواست مردم» می‌شوند یا اساساً مصداق کسی هستند که خود را به خواب زده و به همین دلیل نمی‌توان او را بیدار کرد؟

به نمایندگی از طرف مردم حرف زدن و خواست خود را به جای خواست جامعه‌ای به‌شدت متکثر گرفتن، مختص سیاسیون نیست. این آسیب و این خطای مضحک که از دوران حکومت‌های خلقی و کمونیستی و ادبیات توده‌ای باقی مانده است را می‌توانید در ابراز نظر اهل فرهنگ هم ببینید. در میان اهل فرهنگ و هنر، سینمایی‌ها پیش از دیگران خود را نماینده و بیان‌کننده نظر مردم می‌دانند. در بسیاری از نقدهای سینمایی، نظر شخص نویسنده به‌عنوان نظر مردم و جامعه جا زده می‌شود. مثلاً منتقد می‌نویسد: «مردم این ژانر فیلم و سریال را دوست ندارند...» اما جامعه، از مردمی با آراء و عقاید مختلف تشکیل شده است. مردمی با تجربه‌های زیسته متفاوت که تحلیل و ارزیابی یگانه‌ای ندارند. ممکن است در یک مورد اتفاق نظر پیدا کنند و در هزار مورد دیگر نه. آنها که خود را موظف به بیان نظرات مردم می‌دانند، معمولاً شجاعت گفتن یا نوشتن این عبارت که «من این نظر را دارم...» را ندارند و پشت‌وازه مردم خود را پنهان می‌کنند.

دادن صفت نخبه به عده‌ای، چک سفید امضایی است که به راحتی و بیشتر بر اساس روابط صادر می‌شود. این هم احتمالاً شیوه‌ای مختص به خود ماست، اگر نخبه‌ای هست و اگر عقلی و هوش و استعدادی بالاتر از دیگران دارد که باید «چیزی» بروز داده باشد، وگرنه بالاترینی و در یک جبهه سیاسی و عقیدتی بودن که معنی نخبه‌گی ندارد! آیا توجه دارید، کسی را که به او صفت نخبه می‌دهید دیگر نمی‌توان پایین آورد. به او گفته‌ایم نخبه، با انصاف هم باشد بازم هم می‌خواهد خفتش و برتری‌اش به رسمیت شناخته شود. اما به راستی نخبه کیست؟ کسی که خوب درس خوانده؟ یا ارتباط گرفتن و کار حزبی و جناحی و دست به خواب فرش کشیدن و «برندینگ» را درست بلد است؟ مرجعی یا معیارهایی برای تشخیص نخبه‌گی وجود دارند؟ آیا هر که مدرس و استاد دانشگاه است یا با نمره خوبی فارغ‌التحصیل شده نخبه به حساب می‌آید؟ قبول کنیم، جامعه‌ای متکثر و هوشمند و با آراء متفاوتی داریم. مثل تمام دنیا این جامعه از آدم‌های متوسط و معمولی تشکیل شده که هیچ برتری‌ای نسبت به هم ندارند و نظرات هرکس بر اساس اظهاراتش، نوشته‌هایش، حرکات و سکناتش در شرایطی برابر با دیگران باید ارزیابی شود. شاید اگر همین نکات را ببینیم، راه بسیاری از تغییرات خوب و مثبت و سازنده باز شود.



## وزیر اقلیم

محمد مهدی اسماعیلی، اگرچه در کلام خود را حامی همه اهالی فرهنگ و هنر می‌دانست اما شواهد نشان می‌دهد که در عمل چنین نبود



نرگس کیانی  
خبرنگار گروه فرهنگ

### دو روایت متفاوت از یک رویداد

روایت محمد مهدی اسماعیلی که معتقد است «سال ۱۴۰۲ پررونق‌ترین دوره فرهنگ و هنر در کشور بوده است»، از آن‌چه در طول و پس از اعتراضات شهریورماه ۱۴۰۱ رخ داد نزدیک به روایت بخشی از جامعه هنری و دور از روایت بخشی دیگر است. او اول مردادماه ۱۴۰۳ در جلسه شورای مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از این اتفاق با عنوان «قنده فرهنگی سال ۱۴۰۱» نام برد و به تعبیر خود «سردمداران» آن را عمدتاً «چهره‌های فرهنگی، ورزشی و...» خواند. اسماعیلی در ادامه افزود: «یکی از مهمترین اقدامات دوستانم در بخش‌های مختلف وزارتخانه این بود که اجازه ندادند حوزه فرهنگ و هنر تعطیل شود». چهاردهمین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای به ماه‌ها تعطیلی همه فعالیت‌های هنری نکرد و نگفت برخی تر جیح دادند صحنه را به‌نشان اعتراض خالی بگذارند تا گالری‌ها، سالن‌های تئاتر، سینما، مکان‌های برگزاری کنسرت و... شاهد روزهایی سوت‌و‌گور باشند. اسماعیلی اشاره‌ای به روزهایی که از هنرمندان خواهش می‌کرد تا به صحنه برگردند نکرد و روزهایی را به یاد نیاورد که می‌گفت «نهادهای امنیتی مشوق و پیگیر آغاز برنامه‌های فرهنگی و هنری هستند». او در کنار این اشاره‌ای هم به موارد متعدد مشکلات قضایی پیش‌آمده برای هنرمندان نداشت. طبق گفته حقوق دانان، می‌دانیم رسیدگی به این مباحث از حوزه اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خارج است و در حوزه صلاحیت مقامات قضایی می‌گنجد، اما دست کم می‌شد کارگروه‌هایی هماهنگ با مقامات قضایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل بگیرند و در تعاملی دوجانبه تبعات مشکلات قضایی پیش‌آمده را کاهش دهند.

### تفاوت نوشته‌های روی کاغذ با اتفاقات رخ داده

محمود سالاری، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر سه‌شنبه ۲ مردادماه ۱۴۰۳ در شبکه خبر از مواردی چون «حمایت از هنرمندان از طریق صندوق هنر»، «احیای جشنواره‌های منطقه‌ای»، «کم کردن فاصله مخاطب با هنر نمایش»، «نگارش سند موسیقی و ابلاغ آن» و «احیای موسیقی نواحی» به‌عنوان دستاوردهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم یاد کرد. مواردی که می‌توان در خصوص هر کدام‌شان به بحث و گفت‌وگو پرداخت و زیر سؤال شان برد. به‌عنوان مثال در خصوص «نگارش سند موسیقی و ابلاغ آن» یادآوری کرد که بسیاری از هنرمندان این حوزه معتقدند «برای اثر هنری موسیقی نمی‌توان سند نوشت» و تأکید می‌کنند سند فعلی، درباره موضوعات بسیاری سکوت کرده و روی عبارت‌هایی مثل «موسیقی فاخر» که مانند چاله هستند، مانور داده است. سندها و مصوباتی که تا آخرین روزهای حضور محمد مهدی اسماعیلی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود خبرسازند. از جمله مصوبه در آستانه تصویب شورایی انقلاب فرهنگی درباره تولید و نمایش فیلم‌ها که با واکنش تند خانه سینما نیز مواجه شده، اما اسماعیلی نگرانی سینماگران در خصوص آن را بی‌مورد دانسته است. در کنار همه این‌ها باید یادآوری کرد چه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، چه معاون هنری‌اش بخشی را به‌عمد نادیده می‌گیرند. بخشی که توسط جریان غیررسمی و از سوی هنرمندانی که دیگر خود را موظف به اخذ مجوز نمی‌دانند، شکل گرفته است و فیلم‌های سینمایی، نمایش‌ها و کتاب‌های بدون مجوزی را شامل می‌شود که می‌توانند مسیر فرهنگ و هنر ایران را برای همیشه تغییر دهد. در پایان، محمد مهدی اسماعیلی اگرچه همواره خود را وزیر همه اهالی فرهنگ و هنر می‌دانست، اما در عمل نشان داد که تنها وزیر عده‌ای قلیل و نزدیکان به عقاید و علایق خود است.

### شمسیری که از رو بسته شد

محمد مهدی اسماعیلی، پیش از آنکه با ۱۸۱ رأی موافق، ۷۷ رأی مخالف و ۲۸ رأی ممتنع به‌عنوان چهاردهمین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم انتخاب شود، برنامه پیشنهادی ۸۳ صفحه‌ای خود خبرساز شده بود. برنامه‌ای تند و تیز که طی آن وضع موجود در هنرهای نمایشی، موسیقی، سینما، کتاب، مطبوعات و فرهنگ عمومی بسیار نابسامان و اسفبار توصیف شده و راهکارهای بسامان کردن آن به اطلاع نمایندگان مجلس رسیده بود. او آثار بخشی از اهالی هنرهای نمایشی را موجب مروج سکولاریسم، الفاکنده نامیدی، ترویج‌دهنده قانون‌گریزی و سبک زندگی غیراسلامی دانسته بود. فیلم‌های سینمایی بسیاری را هم ارائه‌کننده تصویر مثبت از آن‌چه «زن بی‌حیا» خوانده بود و مروج وادادگی، تحقیر ملی و الفاکنده و اگرایبی دینی و ملی. او همچنین خانه سینما را «فاقد وجهت قانونی» و خانه موسیقی را «مهم‌ترین مرکز تولید بحران» خطاب کرده بود. این برنامه ۸۳ صفحه‌ای همان زمان موج گسترده‌ای از انتقادات را برانگیخت تا شاهد صف‌آرایی اهالی فرهنگ و هنر، اصناف سینمایی و اعضای خانه تئاتر در مقابل یکی از جنجالی‌ترین گزینه‌های وزارت در کابینه پیشنهادی رئیس دولت سیزدهم باشیم. محمد مهدی اسماعیلی در چنین شرایطی سکان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دست گرفت. او از روز پنج‌شنبه، چهارم شهریورماه ۱۴۰۰ در محل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور یافت و رسماً آغاز به کار کرد. اسماعیلی در دیدار با سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت حسن روحانی، اولویت وزارتخانه را رسیدگی به عوارض ناشی از کرونا اعلام کرد. هر چند شاید بتوان گفت نخستین چالش اساسی که با آن مواجه شد یک‌سال بعد و مقارن با حضورش در وزارتخانه در هنگامه بروز اعتراضات شهریورماه ۱۴۰۱ رخ داد.

### چهره

### شوخی تاج!

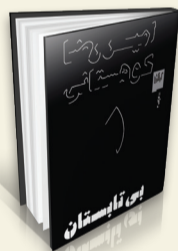
این روزها استفاده یا عدم استفاده از VAR در لیگ برتر امسال، سوژه اصلی فوتبال کشور شده است. رئیس فدراسیون فوتبال ایران گفته: «آماده‌ایم به هر کشوری که بخواهد، آموزش وی‌ای آر یا کمک‌داور ویدئویی بدهیم.» مهدی تاج روز سه‌شنبه، دوم مردادماه، در مراسم قرعه‌کشی بیست‌و چهارمین دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران گفت که برای لیگ هم بخشی از دستگاه‌های وی‌ای آر وارد شده و بخشی دیگر هم بزودی وارد خواهد شد. مهدی تاج در حالی این سخنان را به زبان آورده و خبر خوشی را به کشورهای دیگر داده که ایران می‌تواند در آموزش وی‌ای آر کمک‌رسانی کند که فوتبال ایران، خودش هنوز این دستگاه و تجهیزات را در اختیار ندارد. گفتنی است کشورهای عربستان، قطر، امارات و حتی بحرین و ازبکستان بیش از دو فصل است که سیستم ویدئوچک را در لیگ‌های‌شان به‌راحتی راه‌اندازی کردند و اصلاً نیازی به آموزش فدراسیون فوتبال ایران ندارند. مشخص نیست چرا مهدی تاج چنین اظهارات و ادعایی را مطرح کرده است. این در حالی است که در سال گذشته فقط در دیدار پرسپولیس و استقلال به‌صورت رفت و برگشت از سیستم ویدئوچک استفاده شد که برای همان بازی‌ها نیز ابهامات زیادی همچنان پابرجاست؛ چراکه هیچ‌گاه مکالمات داوران اتفاق ویدئویی به‌صورت آنلاین برای مردم پخش و منتشر نشد. در حالی که قانون می‌گوید برای رفع ابهام برخی مسائل، داور می‌تواند این مکالمات را به‌صورت زنده در ورزشگاه نیز پخش کند. نبودن سیستم کمک‌داور ویدئویی و اشتباهات داور در مسابقات فوتبال ایران، پیش از این بارها اعتراض بازیکنان را در پی داشته و حتی برخی اتهاماتی را می‌زند که نبود وی‌ای آر به این خاطر است تا برخی تخلف‌دخواه رقم بخورد!



### کتابخانه

### نمایشی از مدرسه

کتاب «بی‌تابستان» نوشته‌ی امیررضا کوهستانی در ۸۵ صفحه و با قیمت ۹۸ هزار تومان توسط انتشارات گیلگمش منتشر شده است. امیررضا کوهستانی، نویسنده و کارگردان تئاتر ایرانی است که از او کتاب دیگری با نام «تجربه‌های اخیر» نیز به چاپ رسیده است. نمایشنامه‌ی «بی‌تابستان» کوهستانی که نخستین بار در سال ۱۳۹۷ در سالن سمندریان مجموعه‌ی ایرانشهر روی صحنه رفت، حال‌وهوایی شاعرانه دارد و به روابط عمیق عاطفی در محیط مدرسه می‌پردازد. «بی‌تابستان» در رابطه با نگرانی‌های یک مادر، قوانین آموزشی و تأثیر حضور مردی نقاش در مدرسه است که مخاطب را در میانه راه غافلگیر و مسائل اجتماعی و فرهنگی را در قالب داستانی عاطفی از منظری روانشناسانه بررسی می‌کند.



بی‌تابستان  
نویسنده:  
امیررضا کوهستانی  
انتشارات: گیلگمش

### تاریخ

### امضای قرارداد رویتز



از مشهورترین امتیازاتی که در زمان ناصرالدین‌شاه به خارجی‌ها داده شد، امتیاز رویتز بود. این امتیاز بین دولت ایران و فردی انگلیسی بنام بارون جولیبوس رویتز در ۲۴ ماده در چهارم مردادماه

۱۲۵۱ شمسی به امضاء رسید. طبق این قرارداد رویتز حق داشت به هر اسم و با هر شرایطی که لازم بداند، یک یا چند شرکت برای انجام امور امتیازنامه تشکیل دهد، اراضی مورد نیاز خود را به‌طور رایگان دریافت دارد، مصالح مورد استفاده‌اش را مجانی تحویل گیرد و از پرداخت تمام حقوق و عوارض گمرکی معاف باشد. به‌موجب این امتیاز، بهره‌برداری از همه راه و راه‌آهن و سد از دریای مازندران تا خلیج فارس و بهره‌برداری از همه معادن ایران (به‌جز طلا و نقره)، ایجاد مجاری آبی و قنات و کانال‌ها برای کشتیرانی یا کشاورزی؛ ایجاد بانک و هرگونه کمپانی صنعتی در سراسر ایران، حق انحصار کارهای عام المنفعه، خریدوفروش توتون و تنباکو استفاده و بهره‌برداری از جنگل‌ها برای مدت ۷۰ سال و استفاده از گمرکات ایران به‌مدت ۲۵ سال در ازای پرداخت ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی و سود پنج درصد در اختیار رویتز قرار گرفت.